وسط هفته

یک گپ‌متفاوت با ابوالفضل جلیلی: البته جلیلی طبق معمول متفاوت بود، نه ما

اونایی که سوار اتوبوس نمیشن!

علی پاکزاد
خبرنگار گروه طرح نو

برخی از کسانی که فیلم‌هایش را دیده‌اند می‌گویند در فیلم‌هایش شاعری می‌کند. ابوالفضل جلیلی، کارگردان جهانی سینمای ایران همیشه با اوضاع و احوال جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند پیش رفته است. فیلم‌های او، غیر تجاری هستند و معمولا به مسائل اجتماعی، به‌ویژه مسائل مربوط به نوجوانان می‌پردازند. جلیلی تاکنون جایزه‌های بین‌المللی متعددی از جمله جایزه شیر طلایی جشنواره ونیز، جایزه پلنگ نقره‌ای جشنواره لوکارنو و جایزه بهترین فیلم جشنواره «دوربان» را به‌دست آورده است. نکته جالب توجه در مورد فیلم‌های این کارگردان این است که تاکنون هیچ‌کدام از ۱۴ فیلم ساخته شده توسط جلیلی مجوز اکران در خاک ایران را نگرفته‌اند. جلیلی در گپ و گفتی خودمانی و البته اجتماعی با «شهروند» پاسخ تمام سوالات ما را با شاعر شاعران پارسی گوی ارایه داده، چنان که ما هم مثل شما که این گفت‌وگو را می‌خوانید شوکه شدیم. با این گفت‌وگو همراه شوید لطفا...

• حال و هوای این روزهای شما چطوره؟

حال همه ما خوب است
مالالی نیست جز گم‌شدن گاهیه گاه خیالی دور،
که مردم به آن شادمانی بی‌سبب می‌گویند
با این همه، عمری اگر بالی بود
طوری از کنار زندگی می‌گذرم که نه زانوی آهوی
بی‌جفت بلرزد
و نه این دل نامانده‌گاریی درمان
تا یادم نرفته است بنویسم،
حوالی خواب‌های مالسال پربارانی بود
می‌دانم همیشه حیاط آن‌جا پر از هوای تازه
بازنیامدن است.
اما تو لااقل حتی هر وهله، گاهی، هر از گاهی
ببین انعکاس تبسم رویا شبیه شمایل شقایق
نیست
بخشی از یک شعر بلند
«سیدعلی صالحی»

• حال و هوای شهرمون چی؟

ماگدایان خیل سلطانیم
شهریندهوای جانانیم
بنده رانام خویشتن نبود
هر چه ما را لقب دهند آنیم
گر بدانند و گر ببخشایند
ره به جای دگر نمی‌دانیم
بخشی از یک غزل بلند
«سعدی»

• حال جامعه این روزها قابل‌قبوله؟

صلاح مملکت خویش،
خسروان دانند

• چرا وضع اینجوره؟

این جهان کوه است و فعل ماندا
سوی ما آید نداها را صدا
«مولوی»

• برای وضعی که در آن قرار داریم هر کدام از ما چه مسئولیتی داریم؟

من همان روز بگفتم که طریق تو گرفتم
که به جانان نرسم تا نرسد کار به جانم
«سعدی»

• باید چه کار کنیم؟

حسنت به اتفاق ملاحت جهان گرفت
آری به اتفاق، جهان می‌توان گرفت
«حافظ»

• جالب شد. برام بدونم که این روزها بیشتر به چه چیزی فکر می‌کنید؟ یعنی فکر تون درگیر چیه؟

بود آیا که خرامان ز رم باز آیی
گره از کار فرومانده ما بگشایی
نظری کن که به جان آمدم از دلننگی
گذری کن که حیاتی شدم از تنهایی
گفته بودی که بیایم چو به جان آیی تو
من به جان آمدم اینک تو چرا نمی‌آیی
«فخرالدین عراقی»

• آیا تا حالا تصمیمی را جهت کاری گرفتید که بعدا به آن انتقاد کنید؟

هر چه گفتیم، جز حکایت دوست
در همه عمر، از آن، پشیمانیم
سعدیا بی وجود صحبت یار
همه عالم به هیچ نستانیم

• چه کاری بوده؟

موقع عبور از خیابان یک‌طرفه اشتباه کردم که هر دوطرف را نگاه نکردم!

• بعد چی شد؟

به ماشین که دنده عقب می‌آمد، کوبیدم به تیر چراغ برق

• طوریتون شد؟

طوری نشد. برای این که رانده گفت اگر طوری هم می‌شد دیه‌شومی‌دادم به همین راحتی.

• خب از عالم فیلمسازی چه خبر؟

چند روز پیش یکی از دوستداران سینما در همین خصوص برام یک پیامک فرستاد که نوشته بود:
بدبخت‌ها را «مستند» می‌کنند
خوشبخت‌ها را «سریال»
جدایی‌ها را فیلم‌سینمایی»
منم که هنوز موفق نشده‌ام فیلمی بسازم.

• آخرین فیلمی که اخیرا دیدید چی بود؟ و چه تاثیری روی شما گذاشت؟

چند فیلم کوتاه در یک سالس سینما. تاثیرش این بود که فهمیدم وقتی حرفی برای گفتن نداشته باشی خیلی راحت‌تر میشه فیلم ساخت.

• دغدغه‌های اجتماعی این روزهای شما معطوف به چه موضوعاتیه؟

به موضوعات پیش پا افتاده و معمولی زندگی، چندروزه که دارم فکر می‌کنم به این که بیاییم بشریم تعداد دروغ‌هایی که از صبح تا شب به هم می‌گیم و دلیلش را پیدا نمی‌کنیم.

• به نظر شما چرا برخی مسئولان نسبت به موضوعات اجتماعی بی‌تفاوتند؟

برای این که سوار اتوبوس نمی‌شن، توی صف نانوایی و نمی‌ایستن، جلوی دکه‌های روزنامه‌فروشی روزنامه نمی‌خونن، برای این که خیلی گرفتارند وقت نمی‌کنند.

• دوست دارید یه چیزی بگید؟

عمر زاهد همه طی شد به تمنای بهشت
او ندانست که در ترک تمناست بهشت
«صائب تبریزی»

عکس: حسین رواسی

بی‌مناسبت

بی‌قانونی؛ دغدغه اصلی دلسوزان کشور

صالح نیکبخت
حقوقدان

در این روزها مسأله رعایت‌نکردن قانون و مصادره به مطلوب کردن آن از سوی افرادی که خود باید نماد رعایت قانون و احترام به آن باشند ذهن من و البته ذهن تمام کسانی که با حقوق و قانون مرتبط هستند را درگیر کرده و لازم است همه ما کمی به اوضاع اجتماعی کشور رجوع کنیم و ببینیم چه مسائلی باعث شده رعایت‌نکردن قانون تبدیل به دغدغه خاطر افراد مختلف شود.

یکی از این موارد رانت‌خواری‌ها و استفاده‌های نابجای افراد و اشخاص حقیقی یا حقوقی از رانت‌هایی است که عنوان قانونی را با خود یدک می‌کشند.

اجازه دهید حرف‌های تکراری نزنیم. می‌خواهم دو موضوع اساسی را بیان کنم که این روزها در سطح جامعه مطرح است و مردم به آن نگاه دقیقی دارند. این دو موضوع توسط مردم به وسیله‌ای برای قضاوت در هر زمینه دیگری تبدیل شده است. رانت‌خواری و سوءاستفاده‌های موجود در جامعه صرف‌نظر از فسادهای اقتصادی که به‌همراه داشته، به دانشگاه‌ها و محیط علمی کشیده شده و موضوع بحث درمورد بورسیه‌هایی است که در دانشگاه‌ها و وزارت علوم و آموزش‌عالی مطرح شده است. آمارهای متفاوتی از این قضیه ارایه شده، از ۳ هزار نفر بورسیه غیرقانونی و بدون تحقق شرایط گرفته تا ۶۰۰ نفری که اخیرا وقوع آن اثبات شده است. همان‌طور که می‌دانید جامعه ۸۰ میلیونی کشور ما به‌نسبت جمعیت پتانسیل داشتن افراد شایسته و دسترسی آنان به این بورس‌ها را دارد و نیازی نیست محیط دانشگاه‌ها و به‌طور کلی جامعه علمی کشور را به خطر بیندازیم و باعث شویم کسانی در دانشگاه‌ها تدریس کنند که قرار گرفتنشان در کنار شایستگان و بایستگانی که باید بر کرسی استادی بنشینند، بی‌مهری به علم باشد. این اتفاق جفا به مردم کشور، هدر رفتن درآمد ملی و درآس آنها هدر رفتن قسمتی از مالیات‌هایی است که قشر کم‌درآمد آن را پرداخت می‌کنند.

مالیات‌هایی که بار پرداخت آن عموما بر شانه افراد کم‌درآمدی است که توان دور زدن قانون و پرداخت‌نکردن مالیات را ندارند. طرف آن‌که تحقیق درمورد موضوع بالا و احراز بی‌صلاحیتی برای استفاده از این بورس‌ها امری ساده بود، اکنون به امری سیاسی و معارضه با دولت قانونی تبدیل شده است. در طول ۱۴ ماه گذشته وزارت علوم و آموزش عالی که باید به دور از هرگونه مبارزه سیاسی، حزبی و گروهی باشد، به عرصه مقابله جناح‌های سیاسی کشور تبدیل شده و هر فرد شایسته‌ای که به‌عنوان وزیر این وزارتخانه علمی و فرهنگی معرفی می‌شود، نارسیده مهر بی‌صلاحیتی بر پیشانی‌اش می‌زنند.

گویی این افراد پیشنهادی همه آن انوری شاعرند که گفت: «هربلایی کز آسمان آید، گرچه بر دیگری قضاباشد، به زمین نارسیده می‌گوید: خانه انوری کجا باشد»، به همین دلیل مردم عادی و حتی کسانی که اساسا تحصیلات عالی ندارند چون به سرنوشت علمی کشور و فرزندانشان در آینده توجه دارند از خودمی‌پرسند، چگونه است که مسأله انتخاب وزیر علوم و آموزش عالی تا این حد جولانگاه اختلافات جناح‌های سیاسی کشور شده است؟ بگذارید به نقطه اصلی بحث باز گردم و بگویم متاسفانه پایبندی به قوانین کشور و اجرای آنها عملا تبدیل به بهانه‌ای شده تا هرکس به میل خود از آن استفاده کند و اشخاص را به اتهاماتی متهم کنند که نه در مرجع صالحی ثابت شده و نه هیچ نهاد رسمی در کشور تصریحا یا تلویحا ارتکاب جرم یا خلاف توسط این افراد را ثابت کرده است، با این وجود به صورت بی‌مهابا این افراد مورد اتهام قرار گرفته‌اند، چنان که بسیاری از کاندیداهای معرفی شده برای وزارت علوم توسط دولت کنونی به اتهاماتی متهم می‌شوند که در واقع مخالفان دولت دارند بر موج آن سوار شده‌اند. این افراد هیچ گونه سابقه محکومیت یا ارتکاب به جرمی در مراجع قضایی ندارند در چنین شرایطی اصل «برائت» به‌عنوان یک اصل مسلم شرعی (که ملاک قضاوت‌های همه محاکم در کشور ما و سراسر دنیاست) نادیده گرفته‌نمی‌شود.

یکی از این موارد رانت‌خواری‌ها و استفاده‌های نابجای افراد و اشخاص حقیقی یا حقوقی از رانت‌هایی است که عنوان قانونی را با خود یدک می‌کشند. شاید همین مسأله باعث شود ضرب‌المثل کلاه شرعی درست کردن به ذهن بسیاری از افراد متبادر شود. اجازه دهید حرف‌های تکراری نزنیم. می‌خواهم دو موضوع اساسی را بیان کنم که این روزها در سطح جامعه مطرح است و مردم به آن نگاه دقیقی دارند

گویی در کشور ما قانونی وجود ندارد و مجریان و حاکمان محاکم کسانی هستند که نه قاضی هستند و نه سمت اجرایی دارند. بنابراین رعایت نکردن قانون و بهره‌برداری افراد از قانون به نفع خود (بدون آن‌که وجه قانونی در کار باشد) در کنار بیان خلاف‌واقع که برای آنها که به سرنوشت کشور علاقه‌مند هستند، به دغدغه اصلی تبدیل شده است.

عکس: سعید غلامحسینی/ شهروند

امروز با مولانا

بعد از آن گفتش که ای جان و جهان — نوش چون کردی تو چندین زهر را
لطف چون انگاشتی این قهر را — این چه صبرست این صبوری از چه روست
یا مگر پیش تو این جانت عدوست — چون نیاوردی به حیلت حجتی

یک خبر | یک نگاه

سرطان در چند قدمی ماست

در ماهی که گذشت دست‌های نامهربان سرطان دوتن از هنرمندان کشورمان را با خود برد. مجید بهرامی بازیگر تئاتر و مرتضی پاشایی خواننده پاپ کشورمان پس از ماه‌ها دست‌وپنجه نرم کردن با این بیماری مهلک جان خود را از دست دادند. این موضوع به‌خاطر ابعاد رسانه وسیعی که از دست دادن این دوهنرمند با خود به همراه داشت باعث توجه بیشتر مردم و مسئولان به عوامل سرطان‌زا شد. حالا و در جدیدترین اظهارنظر رسمی از سوی مسئولین دولتی درست یک هفته بعد از اظهارنظر وزیر ارشاد درباره سرطان و مسائلی که باعث کاهش ابتلا به این بیماری مهلک می‌شوند، مدیرکل آزمایشگاه‌های مرجع کنترل غذا و دارو درباره سرطان‌زا بودن لیوان‌های یک‌بار مصرف شفاف صحبت کرد.

دکتر حسین رستگار در مورد مصرف ظروف یکبار مصرف گفت: ظروف یکبار مصرفی شفاف که در مراسم عمومی و برای نوشیدنی‌های داغ استفاده می‌شود به دلیل دارا بودن مواد مضر، در درازمدت و در مقابل استفاده به منظور نوشیدن آب‌جوش، چای، شیرداغ و ... مواد پلیمری از خود آزاد می‌کنند و باعث بیماری‌های صعب‌العلاج و سرطان می‌شود. با شنیدن این جملات اولین نکته‌ای که به ذهن هر کدام از ما می‌رسد حضور داشتن سرطان در چند قدمی ما است. باید آرزو کنیم مسئولان دولتی پس از خاموش‌شدن آتش خبرهایی که حاکی از مرگ هنرمندان کشورمان بود، مسأله سرطان را از یاد نبرند و فراموش نکنند که این بیماری مهلک در جامعه ایرانی افزایش چشمگیری داشته‌است.

برش

ورلاک شوهر خوبی بود

|جوزف کنراد|

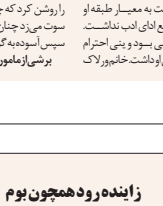

این کار که انجام شد، سر راه خود به طرف آشپزخانه، وارد اتاق نشیمن شد. ساعت چای خوردن آقای ورلاک نزدیک شده بود و یتی که به نیروی جاذبه خود اعتماد داشت، در برخورد روزانه زناشویی از شوهرش انتظار مهربانی همراه با تشریفات خطاب و آراستگی رفتار نداشت. اشکال بیهوده و از رسم افتاده در حد اکثر لطف خود، که به احتمال زیاد هرگز با دقت زیاد و رعایت نشده و در این زمان حتی در بالاترین محیط‌ها از رواج افتاده، همواره نسبت به معیار طبقه او بیگانه بود. از شوهرش توقع ادای ادب نداشت. اما آقای ورلاک شوهر خوبی بود و یتی احترام صمیمانه‌ای نسبت به حقوق او داشت. خانم ورلاک از اتاق نشیمن می‌گذشت و یکراست به سر وظایف خانگی خود در آشپزخانه می‌رفت، آن هم با سلم زنی مطمئن از قدرت جاذبه‌اش ولیکن صدای اندک بر هم خوردن سریف بسیار اندک، بر شنوایی او اثر گذارد این صدا که نامأنوس و غیرقابل درک بود، توجه خانم ورلاک را به خود جلب کرد. آنگاه چون ذات آن صدا به گوش او آشنا آمد، خانم ورلاک خیره‌زده و نگران از رفتار بازمانده کبریتی به قوطی که در دست داشت برگشت و بالای میز آتاق نشیمن یکی از دو گلاسوز را روشن کرد که چون عیب پیدا کرده بود نخست سوت می‌زد چنان که گویی سراسیمه شده است، سپس آسوده به گونه گربه خرخر می‌کرد.

برشی از ماموروسری با ترجمه «پرویز داریوش»

شاتر

زاینده رود همچون بوم

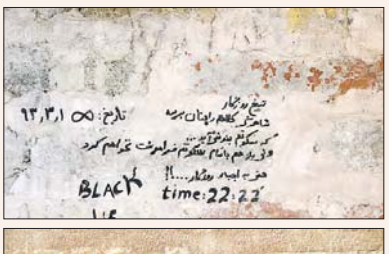

عکس: سیدآرا فخاد رویش

امروز به چی فکر می‌کنی

همه چیز به یک توافق بند است

امان‌الله قرائی‌مقدم
جامعه‌شناس

در حال حاضر بیش از هر چیز به موضوع توافقات هسته‌ای فکر می‌کنم. به‌دلیل اساسی بودن تأثیر این مذاکرات بر زندگی مردمان ایران، می‌خواهم بدانم سرانجام این کش‌وقوس‌ها چه خواهد شد؟ امیدوارم با درایت و دوراندیشی‌های صورت گرفته به نتیجه موردنظر دست پیدا کنیم. با این وجود ذهنم به مباحث دیگری چون دلایل راه ندادن دختران به ورزشگاه‌ها هم مشغول است. اشتغال جوانان، مسأله طلاق و به تأخیر افتادن ازدواج جوانان و البته مسائل دیگری که مربوط به زندگی آنهاست ذهن مرا درگیر خود کرده‌اند. درحال‌حاضر مشغولیت اصلی من بیشتر معطوف به مسأله توافق هسته‌ای است. به نظرم توافق بر تعاملات مختلف شهروندی تاثیرگذار است. این موضوع از منظر روحی و روانی و البته مسائل فرهنگی و امنیت اجتماعی موثر است. جامعه بر اثر توافق، احساس امنیت خواهد کرد. مسأله توافق هسته‌ای اصلا مربوط به یک بعد خاص نیست.

بالا رفتن سطح اشتغال، کاهش بیکاری و ایجاد شادی و نشاط هم در این بین دچار تغییر خواهد شد. از سوی دیگر اگر با توجه به دیدگاه مارکس و انگلس و دیگران اقتصاد را زیربنای یک جامعه در نظر بگیریم، وقتی مسأله اقتصاد جامعه حل شود، بیشتر مشکلات اجتماعی هم از بین خواهند رفت.

درمورد این موضوع هیچ شکی وجود ندارد. به قول مارکس، اقتصاد درست مثل آهن ربا است. در این شرایط اگر برادههای آهن را روی یک صفحه کاغذی رها کنیم، آن برادهها به هر طرفی که آهن‌ربا حرکت کند، خواهند رفت. بنابراین تمام عناصر و مسائل اجتماعی نظیر طلاق، ازدواج، امنیت اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی به تبع بهبود وضع اقتصادی تغییر خواهند کرد.

اقتصاد برای جامعه امنیت سیاسی هم به ارمغان خواهد آورد. تا زمانی که موضوع انرژی هسته‌ای حل نشود، جامعه ایران همواره در تلاطم خواهد بود. همه این موارد به یک اشتباه بزرگ بازمی‌گردد: زمانی که می‌شد مسأله را راحت‌تر حل کرد، مسأله توسط دولتمردان سابق حل نشد. درحال‌حاضر توافقی سیاسی به معضل بزرگ اجتماعی مبدل شده است.

اشتباهات دولت قبل، روابط ما را با تمام دنیا برهم زد. با این وجود از زمانی که رئیس‌جمهوری جدید روی کار آمد جامعه توانست در تعاملات اجتماعی پیشرفت کند. از سوی دیگر در ابعاد بین‌المللی پیشرفت ما چشمگیر بوده است. همین قضیه باعث شده تعاملات اجتماعی در جامعه ایران وضع بهتری را شاهد باشد. توافق با جمهوری آذربایجان و بهبود روابط با عمان و اتفاق‌های خوبی که درباره توافق‌های بین‌المللی شاهدش هستیم، نتیجه همین تلاش‌هاست. حتی فرانسوی‌ها هم تجار و بازرگانان خود را به ایران فرستاده‌اند.

تمام این اتفاقات باعث شده وضع اقتصادی هم بهبود نسبی را تجربه کند. اگر بتوانیم درمورد مذاکرات هسته‌ای به یک توافق خوب دست پیدا کنیم، مسائلی که برخی از کشورها درمورد وضع حقوق بشر در ایران مطرح کرده‌اند هم تعدیل خواهد شد.